

یک شانه گل برنامه شماره ۴۵۸ محمودی خوانساری، ایرج، ترانه: عبداله الفت، آهنگ: محمد میرنقیبی، غزل آواز: رفیق اصفهانی، «مدیایات ترک

کوینده آقا ازادو:

یک شانه گل برنامه شماره ۴۵۸

این برنامه با همکاری ایرج، محمودی خوانساری، جلیل شهناز، رضا وزنده، مجید نجابی، محمد موسوی و جهانگیر ملک تنظیم شده است، آهنگ یات ترک از محمد میرنقیبی، ترانه از عبداله الفت اشعار متن برنامه از طالب آملی، کمال اسماعیل اصفهانی، گوگب خراسانی، پرتان بختیاری، عطاردیشابوری، غزل آواز از رفیق اصفهانی، کوینده فیروزه امیر معز.

فیروزه امیر معز: (شعر از طالب آملی)

از ضعف به حر جا که نشستم وطن شد	از گریه به حر سو که گذشتم چمن شد
جانمی دگرم بخش که آن جان که تو دیدی	چندان ز غمت خاک به سر ریخت که تن شد
پیرا بنی از تار و فاد و خد تو دم	چون تاب جنای تو نیاورد کفن شد
هر سنگ که بر سینه زدم نقش تو بگرفت	آن هم صنی بهر پرستیدن من شد

ارکستر آهنگ ترانه را اجرامی کند.

تصنیف ایرج: (شعر از عبداله الفت)

شد از تو رسوادل من اسیر غمادل من	بین که آن چشم سیه چه می کند بادل من
چو غنچه خزان رسیده دلم ز غم به جان رسیده	خروش من ز میوهایی به گوش آسمان رسیده
شد از تو رسوادل من اسیر غمادل من	بین که آن چشم سیه چه می کند بادل من
باددم آشنا تویی، با جانم بموا تویی	در موج عشق و آرزو، هم کشتی ناخدا تویی
در دمن و دلمان تو، جان من و چشمان تو	دل بر سر آرزو از تابش چشمان تو
چه می شود با کنگی، مراد عاشق بدی	

سپیده دل روشن از آینه روی تو دارم در سینه عشق و زندگی از عطر کیسوی تو دارم
 شد از تو رسوادل من اسیر غمنا دل من بین که آن چشم سیه چه می کند بادل من
 چونچه خزان رسیده دلم ز غم به جان رسیده خروش من ز میوهایی به گوش آسمان رسیده
 شد از تو رسوادل من اسیر غمنا دل من بین که آن چشم سیه چه می کند بادل من

فیروزه امیر معز:

به روزگار همان حالتی پند آمد که خوب بود زشت و بد و نیک در گذردیم
 ولی صحیفه نیاز به خانه خورشید نمانده سخن خوش ز آب سردیم
 که ای به دولت ده روزه کشته صدر مباحث غریب که از تو بزرگتر دیدیم

استاد جلیل شهنواز آدیبات ترک را آغاز می کند.

دکلمه:

چشم بد روزگار دیدی که چه کرد بی مهری آن بخار دیدی که چه کرد
 از ترس رقیب عاقبت جانم سوخت دیدی که چه کرد یار، دیدی که چه کرد

استاد جلیل شهنواز آقای جهانگیر ملک نغانی ضربی در بیات ترک می نوازند.

آواز ایرج:

بگذشت راز و بر من مسکین نظر نکرد (واندیشه زار دیده و) آه سحر نکرد
 شرح نیاز و قصه شوقم زبان حال چندانکه گفت در دل سنگش اثر نکرد
 جان باخت بادم که در کمر پیش او مرا (دل خود چنان برفت) که جان را خبر نکرد

فیروزه امیر معز:

بغیر از پنجه خودی در چشم پر خوابت نمی بینم بجز آستینگی در زلف پر تابت نمی بینم

نمی دانم بسالت چون بدست آید که سوی من بیداری نمی آید و در خوابت نمی بینم

اگر ستر آهنگ بی کلام تر از راجه داد اجرامی کند.

دکلمه: (شعر از پنهان، تخیاری)

دیشب همه شب در برم آن سلسله موبود
من بودم و او بود
می بود و سه تا بود و صبا بود و سو بود
من بودم و او بود
دلان چمن پر گل و در دامن گلزار
من بودم دلدار
مه دلکش و گل نغز و هواغالیه بود
من بودم او بود
آنکه که چمن بود پر از نغمه بلبل
من بودم و آن گل
آن گل که سر ابراهیم رنگ و همه بود
من بودم او بود

استاد رضا ورزنده در آدیبات ترک را می نوازند و پس آقای محمد موسوی ادامه می دهد.

دکلمه:

چشمان من از اشک سعادت شده لبریز
وان گلبن نو خیز
چون شاخ گل افتاده به پیرامون جو بود
من بودم او بود
می خورد به صد لاف و به صد نازیم داد
بوسی زیم داد
آنجا که نه غیر و نه رقیب و نه عدو بود
من بودم او بود
او از می و من از می عشق شده از دست
او سرخوش و من مست
لب بسته بدر سینه بسی رازگوبود
من بودم او بود
لب زیر گل سرخ و کبی زیر گل زرد
آن ماه زمین کرد
می رفت و دلم در پی او از همه سو بود
من بودم او بود
از نام و نشانش چه سراییم سخن ای دوست
بگذر ز من ای دوست

راه من و عشق من و آمال من او بود / من بودم و او بود

آقایان محمد موسوی و جهانگیر ملک و رضا و زنده بهخان ادامه می دهند.

آواز محمودی خوانساری:

دلش دادم که با او بدم و بجانم خواهم شد / مه من، مه من شمع خواهد کشت و من پروانه خواهم شد
(ندانستم) که چون دل برداز من چون پری آخر / فغان خواهد شد در غمش دیوانه خواهد شد
به آن حس و به این عشق ای صنم چون لیلی و مجنون / تو آخر شره خواهی کشت و من افسانه خواهم شد
ز می خالی نخواهم شد چون در خواب می دانم / که یا خم یا سو یا شیشه یا سمانه خواهم شد

فیروزه امیر معز:

دیشب همه شب در برم آن سلسله موبود / من بودم و او بود
می بود و سه تا بود و صبا بود و سبو بود / من بودم و او بود
دلان چمن پر گل و در دامن گلزار / من بودم دلدار
مه دلکش و گل نغزو هوا خالیه بود / من بودم او بود
آنکه که چمن بود پر از نغمه بلبل / من بودم و آن گل
آن گل که سر انا همه رنگ و همه بو بود / من بودم او بود
چشمان من از اشک سعادت شده لبریز / وان کلبن نو خنیر
چون سلخ گل افتاده به پیرامون جو بود / من بودم او بود
می خورد به صد لاف و به صد ناز میم داد / بوسی ز میم داد
آنجا که نه غیر و نه رقیب و نه عدو بود / من بودم او بود
اوازمی و من از می عشقش شده از دست / او سرخوش و من مست
لب بسته بدر سینه بسی رازگلو بود / من بودم او بود
لب زیر گل سرخ و کچی زیر گل زرد / آن ماه زمین کرد

می رفت و دلم در پی او از همه سو بود من بودم او بود
از نام و نشانش چه سرایم سخن ای دوست بگذر ز من ای دوست
راه من و عشق من و آمال من او بود من بودم او بود

آقای مجید نجاحی نغماتی در بیات ترک یادگاری می نوازد.

دکلمه: (شعر از عطار)

سخن عشق جز اشارت نیست عشق در بند استعارت نیست
در عبارت گنجد این معنی عشق در عالم عبارت نیست
عشق بستان و خویشش بفروش که از آن زودتر تجارت نیست

اگر کس ترا سبک تر از راهبده اجرامی کند.

تصنیف ایرج: (شعر از عبدالمنه الفت)

شدا ز تور سوادل من اسیر غمنا دل من بین که آن چشم سیه چه می کند بادل من
چو غنچه خزان رسیده دلم ز غم به جان رسیده خروش من ز بینوایی به گوش آسمان رسیده
شدا ز تور سوادل من اسیر غمنا دل من بین که آن چشم سیه چه می کند بادل من
با دردم آشنا تویی، با جانم همواتویی در موج عشق و آرزو، هم کشتی ناخدا تویی
در دمن و دلمان تو، جان من و چشمان تو دل بر سر آرزو از تابش چشمان تو
چه می شود با گنجی، مراد عاشق بدی

سپیده دل روشن از آمیز روی تو دارم در سینه عشق و زندگی از عطر کیسوی تو دارم
شدا ز تور سوادل من اسیر غمنا دل من بین که آن چشم سیه چه می کند بادل من
چو غنچه خزان رسیده دلم ز غم به جان رسیده خروش من ز بینوایی به گوش آسمان رسیده
شدا ز تور سوادل من اسیر غمنا دل من بین که آن چشم سیه چه می کند بادل من

کوبنده آقا زادیو:

این بود شماره گل شماره ۴۵۸

مدت اجزای برنامه ۴ دقیقه و ۴ ثانیه است.

توضیحات:

ساخته کلی که نثار شد با شماره ۴۵۸ به ثبت رسیده، مدت زمان برنامه حتی از ۴۵ دقیقه بیشتر است
لذا ممکن است نسخ ناقص زیاد در دست علاقه مندان باشد، فرم کارمانند گلهای رنگارنگ است
که ترانه دوبار تکرار شده و اشعار متن برنامه هم تکرار بسیار داشته از این نظر نوشتار برنامه را
طولانی تر جلوه داده، در معرفی برنامه یک غزل آواز نام برده شده در حالی که ایرج هم آوازی را اجرا کرده از این نظر غزل رفیق اصفهانی مشخص نیست به
کدامیک تعلق دارد، بطور کل شناخت
اشعار برنامه به علت تنوع و عدم دسترسی به منابع کار را دشوار کرده ولی علاقه مندان خود می توانند
پی گیری کنند، در اشعار برنامه نواقصی احساس می شود که بعلا تملظ غیر واضح کوبنده صحت
آن مشکل آفرین بوده لذا توسط اهل فن باید کنترل گردد. به غیر از شعر ترانه که از آقای الفت
است بهشت نوع شعر دیگر در برنامه دکلمه و یا خوانده شده که در عوض شش شاعر نام برده
شده لذا ممکن است شاعران دیگری بوده که از قلم افتاده.

توجه: کلیه مطالب مندرج در بالا توسط محقق محترم جناب استاد علیرضا دربندی تهیه شده که شامل بررسی کامل
برنامه و توضیحات افزوده شده شخص ایشان می باشد. جای دارد که سپاس فراوانمان را نثار ایشان بنماییم زیرا که
نتیجه سالها زحمات خویش را وقف عموم کرده اند. در خاتمه از دوستانی که جهت تصحیح و تکمیل این مطالب مایل
به همکاری هستند تقاضا مندم از طریق آدرس ایمیل Asheghane1golha@gmail.com با ایشان تماس حاصل
نمایند.

مسعود نوین فرحبخش